

دفاع مشروع، ترور و عملیات شهادت طلبانه در مذهب شیعه

داود فیرحی*

چکیده

این مقاله بر ادله مذهبی و دیدگاه‌های درون مذهبی شیعه نسبت به دفاع مشروع، ترور و عملیات استشهادی تمرکز دارد. فقه شیعه دست کم برای تمهین رفتار سیاسی - دفاعی جوامع شیعی اهمیت زیادی دارد. این دستگاه فقهی - حقوقی هرچند مفهوم ترور و انتحار را تحریم کرده است، اما عملیات شهادت طلبانه را ذیل مفهوم عمومی «جهاد دفاعی» قرار داده و حدود و شرایط اقدامات دفاعی مشروع را توضیح می‌دهد. با این حال، استراتژی دفاعی شیعه قیود ممنوعه محضی دارد؛ تحریم فتنه و نذیر، منع ترور و حرمت نقض عهد و میثاق. این مقاله با توضیح این قیود، به تمهین دیدگاه‌های فقهی شیعه پرداخته است.

پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

به تدریج، ظاهر شده‌اند. تبیین‌های ممکن درباره ظهور این پدیده را می‌توان به دو دسته اساسی تقسیم کرد:
الف. تبیین‌های معطوف به انگیزه‌های روان‌شناختی، اجتماعی و سیاسی؛
ب. دیدگاه‌ها و ادله مذهبی.

«دفاع مشروع»، «ترور» و «عملیات استشهادی / انتحاری» مفاهیم سه‌گانه و مهمی هستند که به موازات گسترش جهانی خشونت و ترور در دو دهه پایانی قرن بیستم، در ادبیات اسلام سیاسی نیز

*. عضو هیأت علمی دانشگاه تهران.

در این مقاله، پس از اشاره به تبیین‌های نوع اول، دیدگاه‌ها و ادله مذهبی، به ویژه با تکیه بر منابع شیعه، گزارش خواهند شد. پرسش محوری مقاله این است که «مذهب شیعه معاصر چه تبیینی از ماهیت دفاع مشروع، ترور و عملیات استشهادی / انتحاری دارد؟»

تبیین‌های علی و منطق عملیات استشهادی

تبیین‌های علی، عملیات استشهادی مسلمانان را در زمینه عمومی تروریسم انتحاری^(۱) از ۱۹۸۰ تاکنون تحلیل می‌کنند. طبق این تحلیل‌ها، هرچند عملیات استشهادی مسلمانان قابل توجه است، اما تروریسم انتحاری نوین، هرگز به بنیادگرایی اسلامی محدود نمی‌شود، بلکه دایره وسیعی را شامل می‌شود که عملیات استشهادی مسلمانان فقط بخشی از آن است. بدین‌سان، تروریسم انتحاری نوین امری جهانی است و از منطقی جهانی، به عنوان بخشی از سیاست بین‌الملل نوین پیروی می‌کند و البته رفتار مسلمانان را نیز باید در قالب همین منطق استراتژیک فراگیر درک نمود.

رابرت پاپ (Robert. A. Pape) در مقاله‌ای با عنوان «منطق استراتژیک تروریسم انتحاری»^(۲) کوشش کرده است ضمن اشاره به ادبیات موجود درباره تبیین‌های علی، نظریه‌ای درباره منطق استراتژیک حاکم بر عملیات انتحاری رو به رشد در سطح جهانی در دو دهه اخیر ارائه کند. اهمیت نظریه پاپ از دیدگاه نوشته حاضر، از آن‌روست که با تکیه بر داده‌های آماری سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۳، نوعی از عقلانیت و انتخاب عقلانی معطوف به هدف در مجموعه عملیات‌های انتحاری را تبیین و گزارش می‌کند.^(۳) شاید بتوان تبیین رابرت پاپ را در آمدی بر طرح تبیین دیدگاه‌های مذهبی شیعه در خصوص این پدیده تلقی کرد؛ زیرا دیدگاه‌های شیعی نیز با فرض یک منطق عقلانی یا عدم آن در عملیات استشهادی، ماهیت این نوع عملیات را ذیل عنوان «دفاع مشروع» و در قالب «جهاد دفاعی» ارزیابی می‌کنند و از این حیث که دیدگاه‌های شیعی در باب جهاد، با مجموعه مذاهب فقهی اهل سنت تفاوت‌های استراتژیک دارند، لاجرم اندیشه شیعه درباره عملیات استشهادی نیز از مختصات ویژه‌ای برخوردار است.

بنابراین، از «عقلانیتی به ظاهر غیرعقلانی» حکایت می‌کند. پاپ، که خود را از مجموعه موج دوم معرفی می‌کند، برای آزمون فرضیه‌اش درباره «منطق استراتژیک عملیات انتحاری»، این نوع عملیات‌های انجام شده در سطح جهان را در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱ از همین زاویه مورد بررسی قرار می‌دهد. وی پنج ویژگی مشترک در همه این رفتارها ملاحظه می‌کند:

ویژگی‌های پنج‌گانه عملیات انتحاری

به نظر پاپ، عملیات‌های انتحاری نوین، اغلب در پنج مورد مهم، وجه مشترک دارند. وی این موارد را تحت عنوان «وجوه پنج‌گانه» تنظیم کرده است: (۷)

۱. عملیات انتحاری اقدامی «استراتژیک» است. بیشتر مهاجمان انتحاری افرادی جزمگرا و از لحاظ روانی، گوشه‌نشین و پرخاشگر نیستند، بلکه بیشتر به گروه‌های سازمان‌یافته‌ای تعلق دارند که در جست‌وجوی هدف سیاسی ویژه‌ای هستند. این گروه‌ها عملیات انتحاری را در جهت همین اهداف مشخص برپا می‌کنند و آن‌گاه که تمام یا بخشی از این هدف‌ها تحقق پیدا

به نظر پاپ، موج اول تبیین‌های علی، که در سال‌های هشتاد و نود در غرب رواج یافت، عملیات انتحاری را عمدتاً در قالب انگیزه‌های روانی افراد انتحارکننده تحلیل می‌کرد. از جمله ویژگی‌های مثبت این تحلیل‌ها، توجه به پراکندگی عملیات انتحاری در جهان در بین مسلمانان و غیرمسلمانان از یک سو، و نیز وجود جهت‌گیری‌های سکولار در عملیات انتحاری در جوامع اسلامی از سوی دیگر است. بنابراین، تحلیل‌های موج اول بی‌توجه به انگیزه‌های مذهبی، به این دلیل که عملیات انتحاری فراتر از مذهب است، بر عوامل روانی - درونی افراد انتحارکننده به مثابه پایه تحلیل تمرکز یافتند و همین تحلیل را به رهبران هدایت‌کننده سازمان‌های تروریستی تعمیم دادند. طبق این برداشت از پدیده «عملیات انتحاری»، مفاهیمی مانند غیرمعقول بودن^(۴) و جزم‌گرایی اعتقادی افراد^(۵) از علل اقدامات انتحاری تلقی می‌شوند و قهراً نمی‌توان منطقی عقلانی برای عملیات انتحاری تصور نمود.^(۶)

اما موج دوم تبیین‌ها عملیات انتحاری را اقدامی می‌دانند که برای دستیابی به اهداف سیاسی خاص طراحی می‌شود و

حملات در جوامع هدف است؛ نه اقدام نظامی به تنهایی قادر به کنترل عملیات انتحاری است و نه اعطای امتیاز، بلکه مهار این نوع عملیات نیازمند تدابیر دفاع مرزی و ابزارهای امنیتی درون سرزمین خاص می‌باشد.

اشاره به نکات پنج‌گانه مزبور، از دیدگاه مقاله حاضر اهمیت دارند؛ زیرا اولاً، جوامع شیعی نیز به دلایل جغرافیایی - سیاسی در معرض این نوع حملات انتحاری قرار دارند. حوادث تروریستی علیه شیعیان در محرم ۱۳۸۲ در کشور عراق و نیز فعالیت‌های تروریستی گسترده «سازمان مجاهدین خلق» علیه اهداف دولتی و شهروندان ایران در ۲۵ سال گذشته از جمله نمونه‌های مهم این نوع عملیات انتحاری در جوامع شیعه محسوب می‌شوند.

ثانیاً، منابع مذهبی شیعه تفاوت‌های بنیادی میان عملیات انتحاری و استشهادی قایل شده و ضمن تحریم ترور و عملیات انتحاری، بحث و تفسیر خاصی از ماهیت و حدود عملیات استشهادی ارائه داده‌اند. در ذیل، به بسط و تفصیل این اندیشه و استدلال‌های فقهی آن می‌پردازیم:

کردند، مهاجمان انتحاری نیز متوقف می‌شوند.

۲. منطق استراتژیک عملیات انتحاری، ناظر به «اهداف سرزمینی» است، به ویژه چنان طراحی می‌شود که دموکراسی‌های نوین را وادار به اعطای نوعی خودمختاری یا امتیازات و خواست‌های ملی کند.

۳. طی بیست سال گذشته، تروریست‌های انتحاری چنین اندیشیده‌اند که این نوع عملیات تنها راه ممکن و مؤثر است. بدین‌سان، تأثیر عملیات انتحاری در تحصیل مقاصد سیاسی، آنان را به تعقیب عملیات‌های بلندپروازانه تشویق کرده است.

۴. هرچند تعدیل عملیات تروریستی باعث تعدیل در امتیازات داده شده بوده است، اما به طور کلی، تنبیه غیرنظامیان به سطوح پایین تا متوسط تهدیدات تروریستی تعلق دارد. تروریسم انتحاری از اهداف غیرنظامی / مدنی برای تهدید دیوار امنیتی و افزایش هزینه امنیتی دولت‌های نوین استفاده می‌کند.

۵. در نهایت، مهم‌ترین راه امیدبخش برای مقابله با عملیات انتحاری، کاهش اطمینان تروریست‌ها برای انجام این

شیعه و مسئله عملیات استشهادی
 عملیات‌های استشهادی نیز همانند دیگر عملیات انتحاری، اهداف منطقی - استراتژیک دارند و در شرایطی شکل می‌گیرند که تنها راه ممکن برای الزام دولت‌ها برای تغییر سیاست‌ها تصور شوند، با این تفاوت اساسی که منطقه استراتژیک عملیات استشهادی «مطلقاً ویژگی دفاعی» دارد و بدین‌سان، تابع دیدگاه عمومی شیعه در باب جهاد و جهاد دفاعی می‌باشد.

منابع اهل سنت از وجوب «جهاد ابتدایی» سخن گفته‌اند و البته جزئیات فقهی و تبعات حقوقی آن را نیز از شافعی در رساله امّ تاکنون توضیح داده‌اند.^(۸) تعداد کمی از فقیهان معاصر اهل سنت از «ماهیت مطلقاً دفاعی جهاد» حمایت کرده‌اند. شیخ محمد عبده در تفسیر المنار چنین دیدگاهی دارد.^(۹) شیخ نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی مجموع این دیدگاه‌ها را در کتاب جدید خود، جهاد در اسلام، گردآوری و ارزیابی کرده است.^(۱۰)

فقه شیعه در ماهیت جهاد ابتدایی دیدگاه ویژه‌ای دارد؛ اغلب قریب به اتفاق فقیهان شیعه تقسیم‌بندی جهاد به دو نوع «ابتدایی» و «دفاعی» را همانند اهل سنت

پذیرفته‌اند، اما بر خلاف اهل سنت، «جهاد ابتدایی» و به تعبیر دیگر، «جهاد اصلی» را مشروط به امر امام معصوم مبسوط الید دانسته‌اند. صالحی نجف‌آبادی، که خود تقسیم دوگانه جهاد به ابتدایی و دفاعی را نمی‌پذیرد و مجموعه ادله جهاد را ذیل جهاد دفاعی می‌داند، درباره دیدگاه عمومی فقیهان شیعه می‌نویسد: «عجیب است که هیچ‌یک از فقهای شیعه در اینکه جهاد اصلی مشروط به امر امام معصوم مبسوط الید است، تردید نکرده‌اند.»^(۱۱)

نتیجه این دیدگاه، تعطیل جهاد ابتدایی و خصومت نسبت به غیرمسلمانانی است که به رغم تفاوت دین و عقیده، در وضعیت جنگی و تهاجمی نسبت به مسلمانان قرار ندارند. این مطلب در نظر علمای شیعه به قدری مسلم بوده است که فیض کاشانی در کتاب الشافی می‌گوید: «چون در زمان غیبت، جهاد حق تعطیل است، ما از ذکر آداب و شرایط آن خودداری کردیم» (و لما كان الجهاد الحق ساقطاً فی زمن الغیبة طوینا ذکر آداب و شرائطه).^(۱۲)

سیدعلی طباطبائی (۱۲۳۱ ق) صاحب ریاض المسالک توضیح بیشتری

دارد؛ وی تأکید می‌کند که جهاد به معنای اول (جهاد ابتدایی) فقط با وجود امام عادل، که معصوم علیه السلام یا منصوب او برای جهاد - یا اعم از جهاد و غیر جهاد - باشد، واجب است. اما نایب عام امام در دوره غیبت، نظیر فقیه، چنین حکم و اختیاری ندارد. بنابراین، نه بر خود فقیه جایز است و نه بر کسی که او را همراهی می‌کند که در حال غیبت، اقدام به جهاد ابتدایی نماید. به نظر طباطبائی، این اندیشه آن‌گونه که کتاب‌های فقهی *المنتهی و الغنیة* نیز تصریح کرده‌اند، مخالفی در مذهب شیعه ندارد، بلکه ظاهر این منابع، اجماع بر حضور معصوم علیه السلام است و نصوص و ادله متواتر شیعه نیز آن را تقویت می‌کنند. طباطبائی بر اساس این شرط (وجود معصوم علیه السلام)، جهاد در دوره غیبت را جز در شرایط دفاعی خاص، که اساس اسلام و جامعه اسلامی تهدید می‌شود، منع می‌کند. (۱۳)

شیخ محمد حسن نجفی (۱۲۶۶) در کتاب «جهاد» *جواهر الکلام*، دیدگاه صاحب *المسالك* را تکرار کرده و تأکید نموده است که ظاهر این اندیشه‌ها «عدم اکتفا به نایب غیبت»،^(۱۴) یعنی فقیه حاکم، در امر جهاد است. صاحب جواهر

همچنین روایتی از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که با تلقی دوره غیبت به مثابه دوره تقیه، هرگونه تردد و قتل نسبت به کفار را در دوره غیبت / تقیه، تحریم کرده است. در *تحف العقول* از امام رضا علیه السلام در نوشته‌ای به مأمون آمده است: «و جهاد همراه با امام عادل واجب است، و کسی که در دفاع از مال و رحل و جان خود مبارزه کند و کشته شود، شهید است، و قتل احدی از کفار در دار تقیه حلال نیست، مگر آنکه قاتل یا یاغی [زورگیر] باشد، و این [عدم تعرض] تا زمانی است که بر نفس خویشان بیم ندارید.» (و الجهاد واجب مع امام عادل، و من قاتل قَتِلَ دون ماله و رحله و نَسبه فهو شهيد، ولا يحل قتل احد من الكفار في دارالتقية الا قاتل او باغ و ذلك اذا لم تحذر على نفسك). (۱۵)

صاحب جواهر پس از نقل روایت مزبور و نیز اقوال مشهور علمای شیعه در باب منع جهاد ابتدایی در دوره غیبت، امکان مناقشه در باب قول مشهور فقها را با استناد به عموم ادله ولایت فقیه بعید نمی‌داند. اما از آن‌رو که ظاهراً وجود و اتمام «اجماع» در بین علمای شیعه را پذیرفته است، از طرح و تعقیب مناقشه

اموال مسلمانان را در پی داشته باشد. در چنین شرایطی، بر همه مسلمانان، اعم از زن و مرد، سالم و بیمار، حتی کور و ناقص‌العضو، واجب است که به هر نحو ممکن و در هر شرایطی اقدام کنند و نیازی به اذن امام و دیگر شروط جهاد ابتدایی ندارند.^(۱۸) این دیدگاه عیناً در تمام رساله‌های عملی امروز مراجع شیعه منعکس شده است.

وجوب و تحریم جهاد دفاعی

صاحب جواهر در تحلیل فقهی خود در باب جهاد دفاعی، وضعیتی فرضی در نظر می‌گیرد که وجوب جهاد دفاعی در این شرایط، منع می‌شود و حتی می‌توان گفت که حرام است. اشاره به این فرض فقهی، از این حیث اهمیت دارد که ناظر به موقعیت کنونی شیعه در عراق است و به درستی معنای مزبور رفتار سیاسی علما و شیعیان عراق را در شرایط مناقشه بین رژیم بعثی و مهاجمان آمریکایی تبیین می‌کند. شیخ محمد حسن نجفی می‌نویسد: «جهاد اگر از ضروریات نباشد، از قطعیات مذهب شیعه است. بلی، گاهی وجوب آن منع می‌شود، بلکه گاهی حرمت آن گفته می‌شود؛ اگر کفار

خود دست برمی‌دارد و بی‌آنکه تعرضی به قول مشهور شیعه داشته باشد، به ادامه مباحث خود درباره بقیه مسائل مربوط به جهاد در فقه شیعه می‌پردازد.^(۱۶)

شرایط دفاع

صاحب جواهر درباره دفاع، به نکته ظریف و مهمی اشاره کرده است: به نظر او، دفاع بر هر که بر جان خود می‌ترسد، «مطلقاً» واجب است، اما دفاع از مال یا آبروی (عرض) خویش یا جان و مال و عرض دیگران، در صورتی واجب است که ظن غالب بر سلامت نفس وجود داشته باشد.^(۱۷)

فقیهان شیعه دفاع از کیان اسلام و جلوگیری از تسلط بیگانگان را نیز به اجماع واجب می‌دانند و این نوع از دفاع را از اقسام دوگانه جهاد تعریف کرده‌اند.

جهاد دفاعی

صاحب جواهر موضوع جهاد دفاعی را دو چیز می‌داند: اینکه مسلمانان مورد هجوم کفار قرار گیرند، و این هجوم (اولاً) اساس اسلام را تهدید کند. و یا (ثانیاً) اراده استیلا بر بلاد مسلمانان داشته باشند و این، اسارت و آوارگی و اخذ

جهاد تلقی کرده و از حیث اهمیت و نتایج، هم‌پایه جهاد ابتدایی دانسته‌اند.

تحریم ترور

اشاره شد که فقه شیعه غیر از وضعیت دفاعی، اعم از شخصی و خوف نفس یا دفاع از کیان اسلام و موجودیت جامعه اسلامی، هرگونه تعرّض به غیر مسلمانان را تحریم می‌کند. منظور از «وضعیت دفاعی» کاملاً روشن است. فقه شیعه دفاع شخص از نفس و جان را ذیل کتاب‌های «حدود» قرار داده، اما دفاع از کیان اسلام و هویت جامعه اسلامی را در قالب «جهاد دفاعی» توضیح داده است.

جهاد دفاعی خصایص ویژه‌ای دارد: اولاً، از لحاظ جغرافیایی در درون دارالاسلام و در شرایط حضور مهاجمان در جامعه اسلامی شکل می‌گیرد.

ثانیاً، منحصرأ محدود به موقعیتی است که غیرمسلمانان قصد تعطیل اسلام و مسخ هویت اسلامی از حیث تعطیل شریعت و شعائر دینی مسلمانان را دارند.

با این حال، هرچند جهاد دفاعی مستلزم هر اقدامی برای واکنش به تجاوز است، تفکر شیعی توسّل به ترور را تحریم کرده. می‌توان گفت که هیچ‌یک از منابع شیعه از

حکومت جائر بعضی از بلاد اسلامی یا همه سرزمین‌های اسلامی را در این زمان‌ها از حیث سلطه سیاسی تهدید و مداخله کنند، اما مسلمانان را در اقامه شعائر اسلامی ابقا نموده، آزاد بگذارند و به وجهی از وجوه در احکام آنان [مسلمین] تعرّض نکنند، [در این صورت] ضروری است که از وجوب جهاد منع کرده یا تحریم شود؛ زیرا تغیر [زیان] به نفس و آسیب‌رساندن به جان بدون اذن شرعی جایز نمی‌باشد، بلکه ظاهراً چنین فرضی ذیل نواهی از قتال در دوره غیبت قرار دارد؛ زیرا در حقیقت، اعانه به دولت باطل بر ضد باطلی مثل خود آن است.

اما اگر کفار محو اسلام و اندراس شعائر آن و عدم ذکر محمد ﷺ و شریعت او را هدف خود قرار دهند، در این صورت، در وجوب جهاد اشکالی نخواهد بود، حتی اگر مستلزم همراهی با حاکمی جائر باشد، لکن باید به قصد دفع کافران از امحای اسلام و شریعت اسلامی باشد و نه حمایت از سلطان جور.^(۱۹)

صاحب جواهر برای چنین جهاد دفاعی، ادعای هر دو نوع اجماع، اعم از منقول و محصل کرده است. به نظر او، نصوص شیعه این نوع دفاع را از اقسام

نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنِ الْفِتْكِ. يا ابا الصباح، الاسلام قَيْدُ الْفِتْكِ؛^(۲۰) ای ابوصباح، این کار ترور است و رسول خدا از ترور نهی فرمودند. ای ابا صباح، اسلام مانع ترور است.

آیه الله منتظری سپس به روایت دیگری اشاره می‌کند که با همین مضمون و عبارات، از طریق مسلم بن عقیل از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده است: پس از اینکه مسلم بن عقیل، فرستاده امام حسین بن علی علیه السلام، شهر کوفه را برای ورود امام حسین علیه السلام مهیا کرد، ابن زیاد به کوفه آمد و با زور و ارعاب و حکومت نظامی، کوفه را تصرف نمود. روزی بنا شد ابن زیاد به دیدن شریک بن اعرور، یکی از سران کوفه، برود. شریک، که از شیعیان بود، با مسلم قرار گذاشت که مسلم در منزل در جایی پنهان شود و هنگامی که شریک طلب آب کرد، مسلم وارد شود و ابن زیاد را ترور کند که در این صورت، طبعاً اوضاع کوفه به نفع مسلم برمی‌گشت، ولی مسلم چنین کاری انجام نداد و پس از اعتراض شریک، حضرت مسلم از پیامبر ﷺ حدیثی را نقل کرد که می‌فرمود: «الایمانُ قَيْدُ الْفِتْكِ، فلا يفتكُ مؤمنٌ»؛ ایمان مانع ترور است و مؤمن ترور نمی‌کند.^(۲۱)

مفهوم «ترور» به طور ایجابی سخن نگفته‌اند. بدین‌سان، ترور / فتک از جمله اقدامات ممنوعی است که فرهنگ دفاعی شیعه و ادبیات فقه دفاعی با آن مواجهه سلبی دارد.

اندیشمندان شیعه تحریم مطلق ترور را از روایت امام صادق علیه السلام استفاده می‌کنند که امام علیه السلام نیز از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است. روایت ناظر به داستانی خاص درباره حکم کسی است که امیرالمؤمنین علیه السلام را سب کرده بود. طبق اندیشه اسلامی، سب ائمه اطهار علیهم السلام همانند سب نبی صلی الله علیه و آله است. اما امام صادق علیه السلام از ترور سب‌کننده منع کرد. فقیهان مسلمان با استناد به این رویداد، از آن‌رو که عبارات روایت مطلق هستند، مطلق ترور را تحریم کرده‌اند.

آیه الله منتظری در منع ترور، به همین روایت استناد کرده، می‌گوید: در حدیثی معتبر نقل شده است که ابوصباح کفانی به امام صادق علیه السلام گفت: همسایه‌ای داریم که نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام بدگویی می‌کند. به خدا قسم، اگر اجازه دهید در کمین او می‌نشینم و هنگامی که به دام افتاد، با شمشیر او را می‌کشم. حضرت فرمودند: «یا ابا الصباح، هذا الفتک، و قد

تحریم غدر و عهدشکنی

علاوه بر تحریم ترور، فقیهان شیعه بر منع غدر و عهدشکنی در استراتژی دفاعی شیعه حکم کرده‌اند. در مجمع‌البحرین، «غدر» به معنای «ترک وفا و نقض عهد و پیمان» تعریف شده است.^(۲۲) به تعبیر صاحب‌جواهر عدم جواز غدر در فقه شیعه مخالفی ندارد؛ زیرا هم نصوص روایی بر آن دلالت دارند، هم قبح ذاتی دارد و هم موجب نفرت مردم از اسلام می‌شود.^(۲۳) استناد فقیهان شیعه به روایات ذیل است:^(۲۴)

- امام صادق (علیه السلام): «لَا يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِينَ الْغَدْرُ، وَلَا يَأْمُرُوا بِالْغَدْرِ، وَلَا يُقَاتِلُوا مَعَ الَّذِينَ غَدَرُوا»؛^(۲۵) شایسته نیست که مسلمانان عهدشکنی کنند، و نه به عهدشکنی فرمان دهند، و نه همراه عهدشکنان بجنگند.

- روزی حضرت علی (علیه السلام) در بالای منبر کوفه فرمودند: «لَوْلَا كَرَاهِيَةُ الْغَدْرِ، لَكُنْتُ مِنَ آدِهِي النَّاسِ. وَلَكِنْ كُلُّ غَدْرَةٍ فُجْرَةٌ وَكُلُّ فُجْرَةٍ كُفْرَةٌ. وَ لِكُلِّ غَادِرٍ لَوَاءٌ يُعْرَفُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛^(۲۶) ای مردم، اگر ممنوعیت فریب‌کاری و عهدشکنی نبود، من زیرک‌ترین مردم بودم، بدانید که هر عهدشکنی فجوری دارد و هر فجوری

منجر به کفر می‌شود. و برای هر فریبکار پرچمی است که در روز قیامت به آن شناخته شود.

بدین‌سان، نقض میثاق و تعهدات ناشی از قراردادهای متقابل در فقه شیعه تحریم شده است؛ زیرا علاوه بر قبح ذاتی و اضرار به حیثیت اسلام و جامعه اسلامی، از طریق نصوص خاص شیعه نیز منع شده است. معنای حقوقی سخن مزبور آن است که به رغم وضعیت جنگی و دفاعی ناشی از هجوم بیگانگان به جوامع اسلامی، فعالیت‌های دفاعی منحصرأ در قلمرو دین هستند و نباید ناقض قراردادهای و میثاق‌های دولت / جامعه اسلامی باشند که به صورت دوجانبه (با مهاجمان) و یا چندجانبه در حقوق بین‌الملل کنونی منعقد شده‌اند.

در این زمینه، جایگاه حقوق معاهداتی شیعه در تنظیم استراتژی دفاع مشروع شیعیان به چند دلیل اهمیت مضاعف پیدا می‌کند: نخست آنکه شریعت اسلامی مسلمانان را مجاز می‌داند که وارد معاهداتی با رضایت طرفین به صورت دو یا چندجانبه شوند. دوم آنکه چون فقه شیعه نقض میثاق‌ها و امان‌ها (غدر) را تحریم کرده است، هر

همواره مطرح بوده که آیا جایز است کسی با علم و یا ظن غالب بر کشته شدن خود، به دفاع از نفس و حیثیت خود یا کیان اسلام و جامعه اسلامی برخیزد؟ (این پرسش همان چیزی است که در این مقاله، با عنوان «عملیات استشهادی / دفاع انتحاری» خوانده می شود.)

هرچند بحث عملیات شهادت طلبانه، بخصوص پس از مسائل فلسطین مطرح شده، اما تاکنون بحث فقهی دقیقی در این باره نشده است. بنابراین، مسئله ای مستحدثه است که بیشتر در فتاوی فقهی و رعایت احتیاطات لازم مطرح شده است. در اینجا کوشش می کنیم با تحلیل این فتواها و اشاره به برخی منابع روایی آنها در فقه شیعه، حدود و کیفیت تقریبی دفاع استشهادی در فرهنگ سیاسی - دفاعی معاصر شیعه را ارزیابی کنیم:

در یکی از استفتائات از آیه الله فاضل لنکرانی سؤال شده است: «آیا جایز است که برای کشتن دیگران دست به انتحار بزنیم؟ مثل عملیات های انتحاری ملت فلسطین؟» ایشان در پاسخ نوشته اند: «مسئله فلسطین مسئله دفاع است و دفاع از خود و حریم و ناموس و کیان اسلام به

نوع فعالیت دفاعی لزوماً ملتزم به معاهدات و قراردادهای پذیرفته شده در میثاق های دو جانبه یا روح کلی میثاق های بین المللی می باشد که دولت ها یا جوامع اسلامی نیز آنها را امضا کرده اند. (۲۷)

حدود دفاع استشهادی

چنان که گذشت، فقه شیعه جهاد ابتدایی را (تقریباً به اتفاق فقها) در دوره غیبت منع می کند. همچنین در دفاع نیز محدودیت های فقهی خاصی از جمله نفی ترور و تحریم غدر (نقض میثاق) وضع کرده است. با این حال، در چارچوب خاصی، دفاع استشهادی یا دفاع انتحاری را به طور قطع تحریم نکرده و حتی به «جواز فقهی» آن نظر داده است.

تحلیل های معاصر، به ویژه ادبیات غربی، «دفاع استشهادی / انتحاری» را در قالب «تروریسم انتحاری» قرار داده اند. منظور از «تروریسم انتحاری» عبارت است از: «اقدام به کشتن دیگران همزمان با قتل خویشتن.» (۲۸) اما فقه شیعه از یک سو، خودکشی را مطلقاً تحریم کرده و از سوی دیگر، «ترور» یا «فتک» در قاموس فقه شیعه وجود ندارد. اما این پرسش

هر نحوی که باشد، جایز است.»^(۲۹)
 آیه‌الله فاضل لنکرانی در جای دیگری توضیح بیشتری دارند. ایشان در جلد دوم *جامع المسائل* می‌نویسند: «اگر انسان احتمال دهد یا بداند که دفاع او از جان خود یا بستگان خود منجر به کشته شدن خودش خواهد شد، باز هم دفاع جایز، بلکه واجب است. ولی نسبت به مال، اگر می‌داند که دفاع او از مال منجر به کشته شدن خودش می‌شود، دفاع واجب نیست، بلکه احوط ترک است.»^(۳۰)
 اشارات آیه‌الله فاضل لنکرانی نشان می‌دهند که ایشان عملیات انتحاری فلسطینیان را ذیل شرایط عمومی وجوب دفاع از نفس و یا اساس اسلام قرار می‌دهند و تحت مقررات دفاع تعریف می‌کنند. بدین‌سان، آیه‌الله فاضل لنکرانی ضمن اندراج برخی دفاع‌های انتحاری ذیل شرایط عمومی جهاد دفاعی، از تأیید آن دسته از عملیات انتحاری که در فلسطین انجام شده و شهروندان غیرنظامی را هدف قرار داده‌اند، امتناع می‌کنند.

به دلیل آنکه این بخش از فتاوی‌ای فقهی اهمیت زیادی از دیدگاه مقاله حاضر دارند، در ذیل، تفصیل استفتایی

دیگر و پاسخ آیه‌الله فاضل لنکرانی را ذکر می‌کنیم:

س ۲۹۴: مدتی قبل یک فلسطینی در یک پاساژ اسرائیلی با انفجار خود دست به انتحار زد. آیا طبق قوانین جهاد در اسلام، جایز است فردی دانسته زنان و کودکان را بکشد؟

ج ۲۹۴: «اگر دزدی به حریم خانه کسی تجاوز کرد، با او مقابله می‌کنند، اگر چه با زن و بچه خود آمده باشد. اما در مورد سؤال شما، باید توجه داشته باشیم که این اشغالگران صهیونیست هستند که کودکان فلسطین را در آغوش مادرانشان شهید می‌کنند و خانه آن‌ها را بر سرشان خراب می‌کنند ... لکن از نظر اسلامی، لازم است مجاهدین فلسطین با نظامیان اسرائیلی و با غیرنظامیانی که پشتیبانی و حمایت از صهیونیست‌ها می‌کنند، مبارزه و جهاد کنند.»^(۳۱)

دو نکته اساسی در فتوای آیه‌الله فاضل لنکرانی قابل توجه هستند:

نخست آنکه ایشان عملیات و دفاع انتحاری را نه در جهت قتل شهروندان، بلکه فقط به منظور مقابله با نظامیان اسرائیلی و حامیان مستقیم و فعال هجوم‌های نظامی اسرائیل تجویز می‌کنند

از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده است: «کسی که در کنار مظلومه اش کشته شود شهید است» (مَنْ قُتِلَ دُونَ مَظْلَمَتِهِ فَهُوَ شهيدٌ). (۳۵)

امام بساقر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ این حدیث را از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل و تکرار کرده، سپس خطاب به یکی از صحابی‌شان می‌فرماید: «یا ابا مریم، هل تدری مادونَ مَظْلَمَتِهِ؟ قُلْتُ: جَعَلْتُ فِداكَ الرَّجُلُ يُقْتَلُ دُونَ أَهْلِهِ وَ دُونَ مَالِهِ وَ أَشْبَاهَ ذَلِكَ. فَقَالَ: يَا ابا مَرِيْمَ، إِنَّ مِنَ الْفَقِيهِ عِرْفَانَ الْحَقِّ»؛ (۳۶) ای ابا مریم، آیا می‌دانی مفهوم «مظلومه» چیست؟ گفتم: فدایت شوم! منظور این است که کسی در کنار اهل و عیال خود، مال خود و امثال آن کشته شود. فرمود: یا ابا مریم، شناخت حق از فقه است.

البته روایات مزبور ناظر به نهایت اضطراب در اقدام دفاعی هستند. صاحب جواهر دفاع از جان، حریم و مال را اقدامی مطابق اصل و اجماع و نصوص دینی معرفی می‌کند، اما بلافاصله به قول فقیهان شیعه در وجوب رعایت سلسله مراتب، دفاع از سهل‌ترین تا دشوارترین اقدامات (من الایسهل الی الصعب ثم الاصعب)، از تذکر زبانی، اعتراض مسالمت‌آمیز تا مبارزه مسلحانه را یادآور

و این امر را دقیقاً ذیل ادله و موارد دفاع مشروع می‌دانند.

دوم آنکه استفتای مزبور با تکیه بر ادله فقهی شیعه در باب «دزد متجاوز» (لصّ محارب) پاسخ داده شده است. روایات شیعه در باب لصّ محارب و لواحق آن خصوصیت ویژه‌ای دارند.

وسائل الشیعه، باب ۴۶ از ابواب جهاد با دشمن را به همین مسئله اختصاص داده و روایاتی نقل کرده که مبنای بسیاری از اندیشه‌ها و فتاوای معاصر شیعه هستند. بر اساس روایات این باب، قتال با دزد مسلح و متجاوز و ظالم برای دفاع از نفس و حریم و مال، حتی در شرایط احتمال و ظن بر کشته شدن، جایز است، هرچند ترک دفاع از مال مستحب می‌باشد. (۳۲)

از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است: «يُبْغِضُ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - رَجُلًا يَدْخُلُ عَلَيْهِ فِي بَيْتِهِ فَلَا يُقَاتِلُ»؛ (۳۳) خداوند بر کسی که در خانه‌اش مورد تجاوز واقع شده اما مبارزه نمی‌کند، خشم می‌گیرد.

از حضرت علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ هم روایت شده است: «هرگاه دزد محاربی بر تو وارد شد او را بکش.» (إِذَا دَخَلَ عَلَيْكَ اللَّصُّ الْمَحَارِبُ فَاقْتُلْهُ). (۳۴)

فقیهان شیعه - آن‌گونه که گذشت - دفاع از اصل و کیان اسلام را آن‌گاه که مورد تعرض کافران مهاجم قرار گیرد، همپای دفاع از جان و عرض، مشمول وجوب دفاع به هر طریق ممکن می‌دانند؛ «الو ارادَ الکفَّارَ محوَ الاسلام و درس شعائره و عدم ذکرِ محمدٍ ﷺ و شریعتِهِ، فلا اشکال فی وجوب الجهاد»؛ (۳۹) هرگاه کافران قصد محو اسلام و حذف شعائر و نمادهای اسلامی، شریعت و نام محمد ﷺ را [در جوامع اسلامی] داشته باشند، وجوب جهاد بی‌اشکال است.

همین استدلال در اندیشه فقیهان معاصر شیعه به دفاع شهادت‌طلبانه، در صورت انحصار این نوع دفاع در قبال مهاجمان مسلح گسترش داده شده است. در اجوبه الاستفتائات آمده است: «... اگر مکلف طبق تشخیص خود، احساس کند که کیان اسلام در خطر است، باید برای دفاع از اسلام قیام کند، حتی اگر در معرض کشته شدن باشد.» (۴۰)

بعضی از فقیهان شیعه بر وجوب مطلق دفاع از نفس و حریم، به قدر استطاعت تأکید کرده و از جواز تسلیم‌جویی (استسلام) امتناع کرده‌اند. (۴۱) با این حال، هنوز بحث فقهی

می‌شود، هرچند خود او، بخصوص در مورد دزد مسلح و محارب، رعایت چنین ترتیبی را واجب نمی‌داند. (۳۷)

فقیهان شیعه ترتیب دیگری را هم در نظر گرفته‌اند:

۱. چنان‌که قبلاً اشاره کردیم، آنان حفظ جان را بر دفاع از مال ترجیح می‌دهند و بنابراین، بر جواز تسلیم شدن در برابر هجوم دشمنان به اموال مسلمانان حکم کرده‌اند.

۲. فقیهان اما درباره تجاوز به عرض و ناموس مسلمانان تأمل کرده‌اند. برخی به لحاظ اولویت حفظ نفس بر حفظ عرض و ناموس، در شرایط علم یا ظن بر قتل دفاع‌کننده، تسلیم‌جویی (استسلام) را جایز دانسته‌اند. در عین حال، عده‌ای دیگر از فقیهان شیعه، با تکیه بر اهمیت عرض / ناموس بر نفس نزد انسان‌های غیرتمند و شریف، بر وجوب حفظ عرض و عدم جواز تسلیم حکم کرده‌اند.

۳. اما دفاع از جان مطلقاً واجب است، هرچند یقین داشته باشد که توانایی دفاع ندارد و یقیناً به قتل خواهد رسید؛ جز آنکه حداکثر دفاع ممکن واجب است. همه این موارد تابع حکم دزد محارب می‌باشند. (۳۸)

از آنکه دلیل داشته باشد، علت دارد و ظهور و گسترش آن ناشی از گسترش عمومی تجاوز و خشونت در فضای بین‌المللی است. در چنین شرایطی، وقتی شخص یا گروهی به حوزه ترور و خشونت رانده می‌شود، در واقع ترمزهای عملی و مؤثر چندانی برای کنترل او وجود ندارد. اما می‌توان از فقه شیعه، دست‌کم برای تبیین رفتار سیاسی - دفاعی جوامع شیعی، در تعریف حدود دفاع و ترور و نیز دفاع شهادت طلبانه و تروریسم انتحاری استفاده کرد.

فقه شیعه مفهوم «ترور» و «خودکشی» را تحریم کرده است. اما عملیات شهادت طلبانه را ذیل مفهوم عمومی «جهاد دفاعی» قرار داده و آنگاه حدود و شرایط اقدامات دفاع مشروع را توضیح داده است. شیعیان درباره جهاد دو دیدگاه را مطرح کرده‌اند: عده‌ای اندک از فقیهان شیعه جهاد را مطلقاً دفاعی دانسته و از تقسیم جهاد به «ابتدایی» و «دفاعی» انتقاد کرده‌اند.^(۴۲) اما اغلب فقیهان شیعه تقسیم رایج مسلمانان از جهاد به «جهاد اولیه» و «دفاعی» را پذیرفته‌اند، با این قید تعیین‌کننده که جهاد ابتدایی مشروط به حضور امام مبسوط الید معصوم است.

گسترده‌ای درباره تعمیم و تطبیق این استدلال‌های فقهی در خصوص دفاع انتحاری صورت نگرفته است. مهم‌ترین معضل فقهی در این نوع عملیات دفاعی، همان علم و یقین دفاع‌کننده درباره مسئله است؛ از یک سو، رضایت به تجاوز خلاف اصل و روح کلی حاکم بر احکام اسلامی است و از سوی دیگر، دلیل روشنی بر وجوب دفاع با فرض انتحار وجود ندارد. حتی وجوب دفاع از نفس هم با امید حفظ نفس مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، مگر اینکه بتوان نفوس و حریم عموم جامعه اسلامی را مقدم بر حفظ نفس دفاع‌کننده تلقی نمود. این نکته هرچند عرف معقول و متداول زندگانی است، اما پیوندش با مفهوم دفاع انتحاری، در فقه شیعه کمتر مورد تحقیق مستقیم قرار گرفته است. هنوز ادبیات موضوع در تحقیقات شیعی، فاقد پشتیبانی لازم برای نیل به یک درک روشن درباره عملیات شهادت طلبانه / انتحاری است.

خلاصه و نتیجه

چنین می‌نماید که مسئله تروریسم و تروریسم انتحاری در جهان اسلام، بیش

چنین قیدی استراتژی جهادی شیعه در دوره غیبت را محصور در جهاد دفاعی و دفاع مشروع کرده است. بنابراین، از فقه شیعه به هیچ وجه نمی‌توان برای توجیه هیچ اقدام تروریستی و خشونت‌طلبانه بین‌المللی استفاده کرد.

همچنین فقه شیعه در استراتژی دفاعی خود، دو قید ممنوع دارد: تحریم فتنک و غدّره، منع ترور و حرمت نقض عهد و میثاق. بدین‌سان، استناد تروریست‌ها و ادبیات تروریستی در حمایت شیعیان از تروریسم، یک خطای حقوقی آشکار است. فقه شیعه ترور و نقض عهد و پیمان را مطلقاً تحریم می‌کند.

منابع فقه شیعه علاوه بر مواضع بنیادی مزبور، ملاحظات مهم دیگری را در استراتژی دفاعی خود لحاظ کرده‌اند: اولاً، وقتی دفاع واجب است که مهاجمان هجوم مسلحانه به درون خانه / مرزهای جامعه اسلامی داشته و قصد جان و ناموس و حریم مسلمانان را دارند، هرچند در خصوص وجوب دفاع از مال تأمل و اختلاف است.

ثانیاً، قصد تعطیل شریعت و نمادهای اسلامی را داشته باشند.

ثالثاً، فقط مهاجمان مسلح و حامیان مستقیم آنان هدف اقدامات دفاعی قرار می‌گیرند. در چنین شرایطی، دفاع به هر طریق ممکن، حتی در صورت علم به کشته شدن مدافعان مسلمان، واجب است.

برخی گزارش‌ها و فتاوی معاصر دفاع انتحاری یا عملیات شهادت‌طلبانه را با تکیه بر چنین زمینه‌ای از فرهنگ دفاعی و با قید «عدم تعرّض به غیر نظامیان» تجویز کرده‌اند. با این حال، ادبیات بحث هنوز در تحقیقات شیعی معاصر از غنای لازم برای دآوری و درک قطعی برخوردار نیست و به لحاظ تفاوت با اهل سنت، نمی‌توان ادبیات موجود در فقه معاصر اهل سنت را به جوامع شیعی تعمیم داد. اما به نظر می‌رسد تحولات اخیر در فلسطین اشغالی و به ویژه حوادث اخیر عراق، زمینه لازم برای گسترش این مباحث را آماده می‌کنند. ظهور موج استفتائات از مراجع شیعه، به ویژه آیه‌الله العظمی سیستانی در عراق و نیز تأملات و

نقل از: مولی محسن فیض کاشانی، الشافی، جزء ۲، ص ۷۳.

۱۳. سیدعلی طباطبائی، ریاض المسالك، قم، مؤسسة انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۴۴۶ - ۴۴۷.

۱۴. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، تحقیق شیخ عباس قوچانی، ج هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج ۲۱، ص ۱۳.

۱۵. همان، ص ۱۲.

۱۶. همان، کتاب «جهاد»، ص ۱۳-۱۴. شاید به استناد همین نکات و اشارات صاحب جواهر است که بعضی از فقیهان معاصر شیعه نیز به عدم تمایل صاحب جواهر نسبت به تعرض اظهار نظر کرده‌اند.

نک: سید علی خامنه‌ای، اجوته الاستفتائات، فصل جهاد، س. ج ۱۱۴۸.

۱۷. محمد حسن نجفی، پیشین، ص ۱۶.

۱۸. همان، ص ۱۸ - ۱۹.

۱۹. همان، ص ۴۷. اندیشمندان شیعه حاکمان جائر را به سه دسته تقسیم کرده‌اند: جائر کافر، جائر مخالف (اهل سنت)، و جائر مؤمن (حاکمان شیعه مذهب که بدون اذن شارع عرصه سیاسی را تصرف کرده‌اند). نک: شیخ مرتضی انصاری، المکاسب، چاپ قدیم، ص ۱۵۳ - ۱۵۶ / همو، المکاسب المحرمة، باب جوائز.

20. www.deedgah.org/gaftegoo005.htm

21. Ibid, www.deedgah.org/gaftegoo005.htm

۲۲. محمد حسن نجفی، پیشین، ص ۷۸.

۲۳. همان.

۲۴. محمد بن حسن الحرّ العاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۶ ق، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۵، ص ۶۹ - ۷۰.

۲۵. همان، ص ۶۹.

اظهارات همراه با احتیاط ایشان و خودداری از خون‌ریزی بیشتر در عراق تا مرحله‌ای که ناگزیر باید شیعیان از اقدامات بازدارنده تری سخن بگویند، این مباحث را در افکار عمومی شیعه زنده تر کرده است.

پی‌نوشت‌ها

1. Suicide Terrorism.
2. Robert. A. Pape, "The Strategic Logic of Suicide Terrorism" in *American Political Science Review*, vol. 97, no.3, August 2003. PP. 343-361.
3. Ibid, P. 348 & 357-361.
4. Irrationality.
5. Religious Fauaticism.
6. Ibid. PP. 343-344.
7. Ibid. P. 344.
۸. امام محمد شافعی، کتاب الام، بیروت، دارالمعرفة، ۱۹۹۴، ج ۴، ص ۱۶۱.
۹. نعمت الله صالحی نجف‌آبادی، جهاد در اسلام، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲، ص ۲۳، به نقل از: محمد عبده، تفسیر المنار، ج ۲، ص ۲۱۰.
۱۰. همان، ص ۱۰۸ - ۱۰۹.
۱۱. همان، ص ۶۷.
۱۲. نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، همان، ص ۶۶، به

۲۶. همان، ص ۷۰ / نهج البلاغه، تصحیح صحیح صالح، قم، هجرت، ۱۳۹۵ ق، ص ۳۱۸.
۲۷. مجموعه تروریسم، گردآوری و ویرایش رضا طیب، مقاله دیوید آرون شواتز، «تروریسم بین الملل و حقوق اسلامی»، ترجمه زهرا کسمتی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۰ - ۳۷۹.
28. Robert. A. Pape. OP.Cit. P. 345.
29. www.Lankarani.org /Persian /Ahkam /new-estefta.html/ سؤال و جواب ۲۱۸
۳۰. محمد فاضل لکنرانی، جامع المسائل، ج دوم، باب «دفاع»، ص ۴۸۱.
31. www.Lankarani.org /Persian /Ahkam /new-estefta.html/ سؤال و جواب ۲۹۴
۳۲. محمد بن حسن الحرّ العاملی، پیشین، ص ۱۱۹-۱۲۳.
۳۳. همان، ص ۱۲۳، روایت ۲۰۱۲۴.
۳۴. همان، ص ۱۲۱، روایت ۲۰۱۱۶.
۳۵. همان، ص ۱۲۱، روایت ۲۰۱۱۷ - ۲۰۱۱۸.
۳۶. همان.
۳۷. محمد حسن نجفی، پیشین، ج ۴۱: کتاب «الحدود»، ص ۶۵۱.
۳۸. همان، ص ۶۵۲ - ۶۵۶.
۳۹. همان، ج ۲۱، ص ۴۷.
۴۰. سید علی خامنه‌ای، پیشین، ج ۲، باب «جهاد».
۴۱. محمد حسن نجفی، پیشین، ج ۴۱، ص ۶۵۳ (و فی قواعد الفاضل. يجب الدفاع عن النفس و الحریم ما استطاع، و لایجوز الاستسلام).
۴۲. نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، پیشین، ص ۱۵-۹۲.

